

## اعلامیه مطبوعاتی

### خون زنان و اطفال افغانستان برای امریکا و دست‌نشانده‌هایش در حکومت افغان، بسیار بی‌ارزش است!

(ترجمه)

شب یک‌شنبه مورخ ۲۲ سپتامبر، نیروهای نظامی امریکا و افغان در یک عملیات/یورش مشترک زمینی و هوایی، به ادعای خودشان پناهگاه مخفی طالبان را در ولسوالی/ناحیه موسی قعله‌ی ولایت/استان هلمند هدف قرار دادند، که در نتیجه آن حدود ۴۰ غیرنظامی کشته و بیش از ۱۸ تن دیگر در ساختمان مجاور، که در محفل عروسی اشتراک کرده بودند، شدیداً زخم برداشتند. بر اساس گفته‌های عبدالمجید آخوندزاده عضو شورای ولایتی هلمند، اکثریت تلفات و کشته‌شده‌گان را اطفال و زنان تشکیل می‌دهد. این یورش ناگهانی خونین چند روز بعد به تعقیب حمله هواپیمای بی‌سرنشین امریکایی در ۱۹ سپتامبر صورت می‌گیرد که منجر به قتل و زخمی شدن تقریباً ۷۰ دهقان/کشاورز بی‌گناه در ولایت/استان ننگرهار افغانستان شد.

در ماه‌های اخیر، دیده می‌شود که به علت افزایش حملات نظامی عیله گروه طالبان، آمار تلفات غیرنظامیان توسط نیروهای امنیتی افغان و نیروهای اشغالگر امریکایی بلند رفته است. یک گزارش سازمان ملل در ۳۰ ژوئن/جون سال جاری به نشر رسید و اظهار داشت که در جریان شش ماه اول سال جاری مرگ ۷۱۷ غیرنظامی به نیروهای افغان و امریکایی نسبت داده شده است؛ بلندتر از مرگ و میر آن غیرنظامیانی که توسط گروه‌های مسلح به قتل رسیده اند.

این بی‌توجهی مطلق به حرمت خون انسان‌ها از جانب امریکا یک امر تعجب‌آوری نیست؛ زیرا امریکا جنایت‌کار در جنگ صلیبی خود هرچند آمار بلند باشد؛ ولی هیچ اهمیتی به از دست دادن جان‌های انسان‌ها نمی‌دهد؛ اما زمانی که مسئله تامین منافع اقتصادی و سیاسی استعماری‌اش به میان می‌آید، به بلندترین قیمت به آن توجه می‌کند؛ چنان‌چه ما شاهد این امر در افغانستان، عراق، سومالی و دیگر نقاط جهان بوده‌ایم. فلهذا آن‌چه مطلقاً ناامید کننده است، این‌که رژیم افغان در قتل و کشتار مادران، خواهران، دختران و اطفال سرزمین خودشان در راه برآورده کردن آجندای واشنگتن در منطقه دست به دست با استعمارگران امریکایی داده است. هدف اصلی رهبری‌های متوالی افغان پس از اشغال افغانستان از سوی امریکا در سال ۲۰۰۱م، هرگز به‌طور مخلصانه خدمت‌گذاری به مردم نبوده؛ بلکه بخاطر تامین ثروت، تاج و تخت قدرت شخصی‌شان و بخاطر خدمت‌گذاری برای منافع بادران امریکایی‌شان بوده.

واکنش رییس جمهور اشرف غنی در قبال این قتل‌عام واقعاً که اسفناک بوده است. به عوض اعتراف و تصدیق عواقب مرگ‌بار بر غیرنظامیان بی‌گناه؛ رییس جمهور با نهایت چاپلوسی و خدمت‌گذاری به پالیسی‌های امریکا، به‌طور ساده "احتیاط فوق‌العاده" را در عملیات‌های نظامی خواست. در طول بیش از ۱۸ سال، نیروهای امریکایی جوی خون را در این سرزمین جاری ساخته اند و تخم ناامیدی و تباهی را کشت کرده اند؛ وحشت را به‌بار آورده و جرایم غیر قابل بیان را علیه مردم افغانستان مرتکب شدند؛ به‌شمول بی‌حرمت نمودن و بی‌عزت ساختن خواهران مان به شیوه‌ی بسیار شنیع. این امر تماماً با معافیت از مجازات و تشویق و هم‌دستی حکمرانان متوالی افغانستان و حکومت‌های‌شان با نیروهای اشغال‌گر صورت گرفته است.

تا چه مدت زمانی اطفال و زنان و سایر غیرنظامیان بی‌گناهی افغانستان تحمل این چنین فشار بی‌رحمانه‌ی مداخله استعماری را در کشور خودمان خواهد کردند؟ از خون و اشک‌های‌شان این سرزمین خیس شد! تا چه اندازه زنده‌گی و جان خواهران گرانقدر افغان ما و اطفال معصوم‌شان بی‌ارزش شده است که تن‌های مرده‌شان صرف من‌حیث آمار احصاوی بی‌ربط و تلفات قابل قبول دوجانبه در جنگ دیده می‌شود! آری، این همه برای تامین آجندای استعمارگران صورت می‌گیرد.

علاوه بر این، یقیناً این باید به‌طوری واضح و آشکار شده باشد که این انتخابات ریاست جمهوری در ۲۲ سپتامبر به مردم افغانستان هیچ خوشبختی را به ارمغان نمی‌آورد. چگونه این مردم، خواهان ادامه، پایداری و بقای رژیم‌ری می‌هستند که تحت تسلط و نفوذ امریکا قرار دارد؟ فلماذا ما در هر زمان شاهد این چنین انتخابات بودیم که به جز مهر کردن بهترین دست‌نشاده‌ی امریکا در قدرت دیگر هیچ هدفی را دنبال نکرده است؛ حال آن‌که رنجش، بی‌چاره‌گی، ناامیدی مردم بیشتر می‌شود. چنین انتخابات‌ها قبرستان امیدهای دروغین و وعده‌های شکننده است که هزاران نیرنگ و دروغ در خاک‌اش دفن بوده و بجز از تفرقه و جدایی میان مردم دیگر هیچی در آن کشت نمی‌شود، حال آن‌که مشکلاتی هم‌چو وضعیت ناگوار خشونت‌آمیز، ناامنی، مرگ و ویرانی، فقر گسترده، بی‌کاری، جرم، فساد، زوال برنامه‌های علم و دانش و صحت/بهداشت هنوزهم بی‌نتیجه و حل نشده مانده ولی مردم در پی و انتظار انتخابات هستند.

فلماذا تا زمانی که بنیاد و شاخه‌های استعمارگران امریکایی و رژیم‌های خدمت‌گذار غربی‌شان و نظام‌شان از این خاک ریشه‌کن نشود، دریای خون از رگ‌های امت مان در افغانستان جاری خواهد بود. این امر تنها با تأسیس مجدد خلافت راشدانه ثانی بر منهج نبوت تحقق می‌یابد و به این رهبری اسلامی حقیقی زبینه و قابل قبول نیست که تحت نفوذ و حاکمیت هر قدرت بی‌گانه قرار بگیرد؛ بلکه با تأسیس این رهبری سیاسی تلاش برای ابرقدرت شدن در عرصه نظامی، سیاسی و اقتصادی در جهان صورت خواهد گرفت. این دولت رعیت‌اش را از هر خطری در امن نگه‌می‌دارد؛ این دولتی مقتدر به رعیت خود مخلصانه خدمت می‌کند؛ این دولت صلح، امنیت و رفاه را در سرزمین‌اش به ارمغان می‌آورد و سرانجام روشنایی اسلام را در سراسر جهان پخش می‌کند.

﴿ تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ لَهُمْ خَالِدُونَ ﴾

[مائده: ۸۰]

**ترجمه:** بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را به دوستی می‌پذیرند (و با مشرکان برای نبرد با اسلام همدست می‌شوند. با این کار زشت) چه توشه بدی برای خود پیشاپیش (به آخرت) می‌فرستند! توشه‌ای که موجب خشم الله و جاودانه در عذاب (دوزخ) ماندن است.

دوکتور نسرين نواز

رییس بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

شماره صدور: AH/ ۰۰۲ ۱۴۴۱

۲ صفر ۱۴۴۱ هـ.ق

۱۱ اکتبر ۲۰۱۹ م

مترجم: زکریا وهاج